

شش داستان

صادق هدایت

رویا و همی



انتشارات فیروزان

سرشناسه: وهمی رویا

عنوان و نام پدید آورنده: صادق هدایت، شش داستان / رویا وهمی

مشخصات نشر: تهران فیروزان، ۱۳۸۹

رده بندی گنگره: ۲ ص ۹ و ۸۳۰۸/ PIR

رده بندی دیویی: ۸۵۳/۶۳

شماره شناسه کتابخانه ملی: ۱۰۸۹۷۸۶

مشخصات ظاهری: ۱۵۲ صفحه

ISBN: 978-964-92994-9-5

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۲۹۹۴-۹-۵



انتشارات فیروزان

صادق هدایت، شش داستان

رویا وهبی

ناشر: نشر فیروزان

چاپ اول: ۱۳۸۹

طرح جلد: ندا جلیلی

صفحه آرایي: علی طاهري ش. (خدمات نشر افرا)

afratype@gmail.com

تیراژ: ۱۲۰۰ نسخه

قیمت: ۳۸۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۲۹۹۴-۹-۵

تهران، خیابان آفریقا، خیابان وحید دستگردی، برج

پم، طبقه پنجم، واحد ۵

تلفکس: ۲۲۷۴۵۶۷۰

royavahmi@yahoo.com

مندرجات

۹	پیش گفتار.....
۱۳	۱. داش آکل.....
۳۱	داش آکل و ادای عاشقی.....
۴۱	۲. عروسک پشت پرده.....
۵۹	عروسک و شهرزاد قعه گو.....
۶۹	۳. آبیجی خانم.....
۸۱	خودکشی آبیجی خانم.....
۸۷	۴. آیینہ ی شکسته.....
۹۷	از هر چه بترسی به سرت می آید.....
۱۰۱	۵. حاجی مراد.....
۱۱۱	حاجی مراد و خودگول زنی.....
۱۱۹	۶. شب های ورامین.....
۱۳۷	ورامین در شب.....

پیش‌گفتار

مهارت هدایت در شناخت روان انسان با تحلیل ترفندهای به‌کار گرفته در داستان‌هایش آشکار می‌گردد. او قبل از آن‌که یک نویسنده باشد یک خواننده شناس حاذق است. نه تنها قادر است برای انحراف ذهن از شگردهایی استفاده نماید بلکه به واداشتن خواننده به هم احساس پنداری با شخصیت داستان و ایجاد چالش توانایی دارد. بدین منظور هدایت برای دعوت از خواننده برای ورود به داستان، در صدد پروردن ذهن او از همان ابتدا است. او بسهولت قادر است مخاطب خود را وادارد تا همراه با شخصیت داستان در احساس سردی، گرمی، شوک، عشق و نفرت او سهیم شود. لیکن این گونه نویسندگان آنجا که در داستان به ذهن خواننده بی‌اعتنایی کرده‌اند، نفس خودخواه نگری خود را نمایان ساخته‌اند. در داستان عروسک پشت پرده، تزریق آشکار تفکر هدایت به مهرداد، چنین نفسی را برملا ساخته است.

تکنیک داستان نویسی هدایت سینما گونه است بطوریکه نه تنها نماد حرکت در آثارش نمایان است بلکه گویی نگاهی از ابتدا تا

انتهای داستان خواننده را دنبال می‌کند. همان طور که صدای غژ غژ کفش های حاجی مراد از ابتدا تا انتهای داستان بگوش می‌آید. به احتمال قوی یکی از سرگرمی‌های هدایت دیدن فیلم بوده است یا آنکه اگر فیلم زیاد ندیده است حداقل می‌توان پیش بینی کرد فیلم‌ها را با دقت تماشا کرده است. مهارت او در پروردن ذهن خواننده بیانگر چنین تبحری است. علاوه بر دیدن فیلم انگار هدایت به خرید کردن هم علاقه داشت زیرا او کاسبکارانه به تاثیر حرف و سخن بی‌روان، مهارت دارد. آنجا که با دادن اطلاعات مسلسل ذهن خواننده را خسته می‌کند به نحوی که از جمله کلیدی آخر، برداشت جدانی نداشته باشد آنجا که اطلاعات کال به خواننده می‌دهد و گفته‌ها را نگفته می‌سازد همه این‌ها بیانگر آگاهی او از تاثیر سخن بر ذهن انسان است. بر خور داری از نگاه سینمایی و تبحر در داستان نویسی و همچنین انتخاب موضوع از جمله مواردی است که منجر به برجسته شدن آثار او در زمان حیاتش شده است. حس تجسم خواننده با خواندن این گونه داستان‌ها بیش از سایر روش‌ها تقویت می‌شود.

درست است که هر نویسنده‌ای سبک خاص نگارش خود را دارد لیکن مواردی چند نیز انتخاب اوست. بواقع برداشت وی از دنیای اطراف و رابطه آدم‌ها در داستان تاثیر گذار است. رد چنین تاثیری را می‌توان پس از خواندن داستان در روان خواننده دنبال کرد. در این بین نویسنده‌ی هوشیار عناصری از زندگی در حال جریان آدم‌ها را انتخاب می‌کند که بیشترین تاثیر را بر خواننده‌اش داشته باشد. هدایت بدرستی "بهترین انتخاب بیشترین تاثیر" زمان خود را تشخیص داد و آنرا در نوشته‌هایش بکار برد. او نفس مرگ را بهترین انتخاب دید و بیشتر داستان‌هایش را مزین بدان کرد. هر

چه رو به جلو می‌رویم از جذابیت مرگ نزد مردم کاسته می‌شود. بدین خاطر دیگر موضوع خودکشی و مرگ رتبه‌ی بیشترین تاثیر بر خواننده را از دست داده است. بنابراین بهترین انتخاب در هر دوره فرق می‌کند. در این دوره نفس ماندن در آدمی تقویت شده است. اگر امروز شخصیتی مانند آبجی خانم کم پیدا شود و یا اصلاً پیدا نشود دیگر نفس مرگ بهترین انتخاب برای نویسنده نیست. خواننده امروز خندان دلیل خودکشی اودت را درک نمی‌کند و آنرا حوصله سر بر می‌پندارد.

در دوره هدایت مرگ جذابیت خاص خود را برای شنونده و خواننده داشت. هرگاه با رسیدن خبر مرگ کسی، نفس‌رهایی او، با دل و جان احساس شود آنگاه عنصر مرگ انتخابیست که بیشترین تاثیر را برای خواننده به ارمغان می‌آورد. در آن برهه از زمان شرایط زندگی می‌طلبید تا بیشتر آدم‌ها در برابر نفس مرگ چنین احساسی داشته باشند. پویندگی زندگی هدایت فرصتی بدو نمی‌داد که خود چنین احساسی داشته باشد با این وجود، چنین احوالی را در جمع مردم تشخیص داد و آن را در آثارش جای داد. منتهی تا بدانجا پیش رفت که گویی قربانی خواننده‌اش شد و با خودکشی، افسانه‌ای از داستان‌هایش در آمد.

در نوشته پیش رو بیش از آن‌که به نقد روایت پرداخته شود احوال داستان و همچنین روان‌شخصیت‌ها مورد پرداخت قرار گرفته است. نوع شغل، رابطه اجتماعی، جاذبه سخن از جمله مواردیست که آدم‌های داستان بر اساس آن مورد روانشناسی قرار گرفته‌اند. تجزیه و تحلیل روایت پس از گذشت حتی پنج سال، دشوار می‌شود چه رسد به تحلیل آن پس از گذشت دوره‌ای حدود شصت سال. بواقع کالبد شناسی داستان پس از دوره‌ای طولانی نیاز

به بررسی همه جانبه به خصوص در مورد مسائل فردی - اجتماعی
زمان نگارش خود دارد. در این کتاب شش داستان از داستانهای
کوتاه صادق هدایت انتخاب و تحلیل آن بعد از اتمام هر داستان
آورد شده است.

رویا وهمی

www.ketab.ir